۴۲ درصد شکایت‌ها از پزشکان به علت جراحی بینی

به گزارش خبربانو، پژوهش شورای صنفی سازمان نظام پزشکی درباره پرونده‌های شکایت از پزشکان نشان می‌دهد شایع‌ترین علت مراجعه زیبایی (حدود ۴۲ درصد) برای انجام جراحی زیبایی بینی بوده است. شایع‌ترین مکانی که مواجهه پزشکی به تشکیل پرونده قصور منجر شده درمانگاه‌های خصوصی سپس مطب‌های شخصی بوده است.

آل ابراهیم | نرگس

فراموشی از جنس ۳۹ سال تنهایی

خرده روایتی از همسر شهید سید موسی فرزین‌فر که در سال ۶۰ شهید شد

فراموشی بخشی از خاطرات معصومه را به تاراج برده است، اما نه همه‌اش را. هنوز به خاطر دارد در خیابان گنبد سبز خواستگارها پاشنه در خانه را از جا درآورده بودند و او به هیچ کدامشان «بله» نمی‌گفت. حاضر نبود با کاسب جماعت عروسی کند. فکر می‌کرد امروز و فرداست که طرف ورشکسته و فراری شود و او تنها بماند، اما نمی‌دانست اگر تنهایی تقدیرت باشد، راهش را به زندگی‌ات باز می‌کند.

سید موسی فرزین‌فر جوان بالابلند و متینی بود که در نیروی زمینی ارتش خدمت می‌کرد. معصومه عروس خانواده فرزین‌فر شد. چند روز بعد از عروسی، به تهران و بعد، با پذیرفته شدن انتقالی، به مشهد آمدند. در این سال‌ها، خداوند ثمره زندگی هم به آن‌ها بخشید.

سال ۵۷ بود به وقت روبه‌رو شدن مردم با رژیم. سپردن مأموریت مقابله با تظاهرکنندگان به ارتش، عزم سیدموسی را برای جدا شدن از رژیم جزم کرد. به معصومه می‌گفت دلش نمی‌خواهد دستش به خون هم‌وطنانش آلوده شود. این جدایی بعد از سانحه رانندگی‌ای که حین انجام مأموریت برایش اتفاق افتاد فراهم آمد و پیش از موعد بازنشسته شد.

همدم تنهایی‌های معصومه یک جانماز است که همیشه پهن و آماده است تا به مهمانی خدا برود: «خانه‌ای نیمه‌کاره در منطقه آب‌وبرق خریدیم و کم‌کم شروع کردیم به ساخت آن. آن زمان این منطقه بیابان بود و امکاناتی نداشت. همه هم و غم سیدموسی جوان‌های این منطقه بودند که فراغتشان پربار باشد و به راه خلاف نیفتند. برایشان برنامه‌های ورزشی می‌گذاشت، آن‌ها را کوه می‌برد و آموزش نظامی می‌داد. جنگ که شد، سید دیگر آرام و قرار نداشت. می‌گفت نظامی آموزش‌دیده است و حالا کشورش به او نیاز دارد.» «دوباره به ارتش رفت و عازم جبهه شد. دیربه‌دیر می‌آمد تا اینکه رفت و برنگشت. از همان روز اول که به جبهه رفت، دل‌شوره داشتم.»

هرچه می‌گذرد «یادم‌نمی‌آید»های معصومه بیشتر تکرار می‌شود. به یاد ندارد که شوهرش ۴ بار به جبهه اعزام شده و ۷ ماه خدمت کرده است. این را هم به خاطر نمی‌آورد که در آذر ۶۰، عملیات طریق‌القدس و در نیمه‌های شب، با گلوله مستقیم توپ آسمانی شده است. حافظه‌اش مانند همه این سال‌ها یاری نمی‌کند که به خاطر بیاورد چه‌قدر طول کشید تا پیکر همسرش را بیاورند. «شاید یک ماه بعد پیکرش را آوردند. گوشه سردخانه مانده و شناسایی نشده بود زیرا نه سر داشت، نه دست و پای سالم.»

وقتی سیدموسی شهید شد، معصومه با خدای خودش راز و نیاز کرد و گفت که ۴ بچه قدونیم‌قد را بزرگ می‌کند تا او را هم جزو شهدا به حساب بیاورند. «تا بچه‌ها را بزرگ کردم خیلی سختی کشیدم. تنهای تنها بودم. حالا اوضاع جامعه را که می‌بینم، از خودم می‌پرسم ثمره این همه رنجی که کشیدم چه شد.»

پادرد و کمردرد امان معصومه را بریده است. خواسته‌اش از دار دنیا داشتن پرستار است که با اوضاع مالی‌اش جور درنمی‌آید. دل‌تنگ است از خانه‌ای که مدت‌هاست رنگ مسئولان را ندیده است، کسانی که فلسفه وجودی‌شان با خانواده‌های ایثارگر گره خورده است.

حرف آخر معصومه این است: «دیگر عمری برایم نمانده. دوست ندارم زنده بمانم. دلم می‌خواهد بروم پیش سیدموسی.»

عکس: ساناز صفائی | شهرآرا

هنر مرهم است

گفت‌وگو با دکتر فرزانه فرخ‌فر که هنر و پژوهش را به هم گره زده و برگزیده جایزه «زن و علم» شده است

سعیده آل ابراهیم

دوران کودکی، وقتی میان بازی‌ها و کاوش‌های کودکانه به نقش و نگار بناهای اصفهان می‌رسید، بی‌اختیار می‌ایستاد و محو تماشا می‌شد. انگار چیزی در آن نقوش، او را به سمت خود می‌کشید. آن‌قدر شوق و ذوقش نمایان بود که دوست و آشنا می‌دانستند در آینده باید رشته هنر را دنبال کند. رفته‌رفته، هنر برایش در کنار زندگی، مفهوم پیدا کرد و با وجود مخالفت پدر، عزمش را از نوجوانی جزم کرد که راهی هنرش شود، حسی که از کودکی درون آدم می‌جوشد به طور معمول او را به بیراهه نخواهد برد. اکنون فرزانه فرخ‌فر از معدود کسانی است که هنر را هم‌راستا با پژوهش در این حوزه پیش می‌برد. او با خود و انگیزه درونی‌اش عهد کرده است تا جایی که توان دارد به اعتلای هنر اسلامی ایران و انگیزه‌ای که نفس‌های آخرش را در دانشجویان نسل جدید می‌کشد کمک کند. او سال گذشته، از سوی معاونت پژوهشی وزارت علوم و معاونت پژوهشی ریاست جمهوری، پژوهشگر برگزیده کشور در گروه هنر و معماری شد. امسال نیز معاونت فرهنگی اجتماعی وزارت علوم و معاونت امور زنان در ریاست جمهوری جایزه زن و علم (مریم میرزاخانی) را به او اعطا کرد.

فرزانه فرخ‌فر متولد سال ۱۳۵۵ در مشهد است. پدرش افسر ارشد نیروی هوایی بود و چاشنی کار او زندگی در شهرهای مختلف. فرخ‌فر و خواهر و برادرهایش می‌توان گفت بیشتر دوران کودکی‌شان را در شهرهایی از جمله اصفهان و تهران گذراندند. این کوچ‌ها، علاوه بر اینکه حس کنجکاوی را در آن‌ها زنده کرد، تجربیات خوبی از آشنایی با فرهنگ‌های مختلف ایرانی برایشان به ارمغان آورد.

وعده‌مان برای مصاحبه با او در آخرین روزهای دی‌ماه است در حالی که آفتاب، بی‌خبر از فصل و ماه، همچون چله تابستان می‌تابد. جوان است و بشاش. در هوای آزاد فرصت داریم کمی از ماسک‌زدن فاصله بگیریم. خنده روی لبانش نشان از خوش‌رویی‌ای دارد که به‌احتمال، همین برخورد رابطه او و دانشجویانش را محکم کرده است. علاقه‌اش به هنر و گرافیک چیزی نیست که بتواند آن را در کلامش پنهان کند. جاری است و ملموس. اما افسوس هم چاشنی این علاقه است، افسوس برای پژوهش‌هایی هنری که هنوز انجام نشده، افسوس برای میراث ایرانی که به نام کشورهای دیگر به ثبت رسیده است و افسوس اینکه فضای علمی هنر در زادگاهش، مشهد، چندان فراهم نیست. «من از کودکی با دیدن آثار هنری و نقش‌ونگارهای روی دیوارها و بناهای سنتی اصفهان به وجد می‌آمدم. بعدها دانستم این آثار همان بافت فرهنگی و معماری بوده که از تاریخ غنی هنر اسلامی کشورمان باقی مانده است. آن‌قدر در زمینه هنر ذوق و علاقه داشتم که دوستان صاحب‌نظر به من توصیه می‌کردند هنر بخوانم و مرا در این راه بسیار تشویق کردند. اکنون، خودم نیز احساس می‌کنم همان ذوق دوران کودکی من را به سوی هنر هدایت کرده است.» علاقه او برای ورود به این رشته و انتخاب مسیر زندگی‌اش، دلیل لازم بود اما کافی نبود. زمانی که با خانواده‌اش مطرح کرد که می‌خواهد در رشته گرافیک تحصیل کند، با مخالفت پدر روبه‌رو شد که جز رشته‌های تجربی و ریاضی، رشته‌های دیگر را قبول نداشت. درس و نمره‌های او خوب بود اما پدر زیر بار نمی‌رفت که دخترش سراغ رشته‌ای برود که در آن روزها نام و آوازه‌ای نداشت. «بخت و فرصت خوبی که در آن دوران برای من پیش آمد، زندگی در شهر تهران بود زیرا در تهران کلاس‌ها و مدارس هنری زیادی در قیاس با دیگر شهرهای کشور فعالیت می‌کردند که انتخاب من را آسان می‌کردند. آن زمان، فضای تهران در حوزه گرافیک فعال بود در حالی که به‌تازگی رشته گرافیک در مشهد راه افتاده بود و چه بسا اگر در مشهد بودم، شاید به‌راحتی نمی‌توانستم وارد این رشته بشوم. ضمن اینکه دوستان خانوادگی خوبی در تهران داشتیم که صحبت‌های آن‌ها با پدرم برای انتخاب رشته موردعلاقه‌ام بی‌تأثیر نبود.»

چهارده‌سالگی تصمیمم را گرفتم

فرزانه راهی را انتخاب کرده بود که با وجود مخالفت پدر، آینده روشن خود را در آن می‌دید. پس خودش را مقید کرد سختی‌های این مسیر را هم به جان بخرد، از همان ۱۴ سالگی تا به حال. از کودکی تا نوجوانی، به دلیل حساسیت‌های شغل پدر، در خانه‌های مسکونی پایگاه نیروی هوایی زندگی می‌کردند، جایی که برای ساکنان آن امن و شناخته شده بود، اما او برای تحصیل در رشته گرافیک باید به مدرسه‌ای خارج از پایگاه و بسیار دورتر از خانه‌شان می‌رفت و به اصطلاح باید از محدوده امن خارج می‌شد. پدر می‌خواست بداند دخترش چه‌قدر در این راه مصمم است. به همین دلیل، مسیر رفت‌وآمد را به خود او سپرد. «آزمون ورودی مدرسه را قبول شدم. پدرم بار نخست، من را تا مدرسه رساند و مسیر را نشانم داد و گفت که از این به بعد، باید خودم این مسیر را بروم. این اولین‌بار بود که تنها از پایگاه بیرون می‌رفتم. هنوز به یاد دارم که چهار پنج ساعت طول کشید تا آن مسیر را از بزرگراه تا خانه‌مان پیاده برگشتم. بعد متوجه شدم پدر دورادور هوای من را داشته است تا مطمئن شود می‌توانم روی پای خودم بایستم. بعد از آن بود که تصمیمم را پذیرفت و با من همراه شد.»

> پدرم بار نخست، من را تا مدرسه رساند و مسیر را نشانم داد و گفت که از این به بعد، باید خودم این مسیر را بروم. این اولین‌بار بود که تنها از پایگاه بیرون می‌رفتم. هنوز به یاد دارم که چهار پنج ساعت طول کشید تا آن مسیر را از بزرگراه تا خانه‌مان پیاده برگشتم. بعد متوجه شدم پدر دورادور هوای من را داشته است تا مطمئن شود می‌توانم روی پای خودم بایستم. بعد از آن بود که تصمیمم را پذیرفت و با من همراه شد

وقفه دوساله برای جبران جاهای خالی زندگی

۲ سال منتهی به پایان مقطع دبیرستان را در مشهد گذراند و دیپلمش را گرفت. همان سال دانشگاه قبول شد و مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد گرافیک را بی‌وقفه در تهران گذراند. از پایان مقطع کارشناسی ارشد تا شروع دکتری، ۲ سال فاصله افتاد، ۲ سالی که در آن، برخی جاهای خالی زندگی‌اش را پر کرد، از اولین تجربه تدریس او گرفته تا ازدواج. «در این ۲ سال، به مشهد برگشتم و یک تجربه کاری خوب در دانشگاه فردوسی داشتم. این اولین تجربه تدریسم بود. علاوه بر آن، در این مدت، فعالیت‌های حرفه‌ای‌ام را تقویت کردم. هم‌چنین توانستم به زندگی شخصی‌ام سر و سامانی بدهم و ازدواج کنم.» آغاز زندگی مشترک، مصادف با پذیرش در مقطع دکتری پژوهش هنر در دانشگاه تربیت مدرس بود که باز هم علاقه به تحصیل، او را راهی تهران کرد. رشته گرافیک که از ابتدا آن را انتخاب کرده بود مانند خیلی دیگر از رشته‌های هنر مانند نقاشی، سینما، تئاتر، موسیقی، هنرهای نمایشی و... امکان ادامه تحصیل در مقطع دکتری را ندارند. برای همین می‌بایست رشته‌اش را به پژوهش هنر تغییر می‌داد تا بتواند تحصیلش را در مقطعی بالاتر ادامه دهد. «سال ۸۵، مقطع دکتری پژوهش هنر را در دانشگاه تربیت مدرس آغاز کردم. دانشجویان دیگر هم تخصص اصلی‌شان در رشته‌های صنایع‌دستی، سینما، معماری و نقاشی بود. برای همین، هرکدام موضوع رساله‌هایمان را برحسب تخصص خودمان انتخاب کردیم و راه را ادامه دادیم.»

علاقه به سنت تصویرگری ایرانی

او در طول دوران تحصیلش بیش از هر چیزی به سنت تصویرگری ایرانی و تأثیری که هنر ایران بر کشورهای دیگر گذاشته بود علاقه داشت. به همین دلیل، موضوع رساله دکتری او نیز درباره تأثیر کتاب‌آرایی ایران بر عثمانی بود. حتی پیش از آن نیز درباره تأثیری که ایران بر گورکانیان هند در قرن دهم هجری گذاشته بود، تحقیقاتی انجام داده بود، اما در نهایت، گرایش به هنر عثمانی حوزه مطالعات تخصصی او در مقطع دکتری شد. «مطالعات در حوزه عثمانی خلأ جدی داشت زیرا از سمت ایران کمتر مطالعه‌ای انجام شده بود و بیشتر تحقیقات به پژوهشگران ترک و اروپایی تعلق داشت. به همین دلیل، لازم بود که به عنوان یک پژوهشگر ایرانی وارد این عرصه شوم و تأثیری را که فرهنگ و هنر کشورم بر همسایگان سرزمین‌های غربی گذاشته بود از زاویه‌ای دیگر بررسی می‌کردم. بعد از آن، سعی کردم محققان و دانشجویان بسیاری را به سمت این حوزه ترغیب کنم زیرا در این زمینه متأسفانه کمبود شدید متخصص و کارشناس داشته‌ایم و داریم.»

هنر در خراسان مظلوم واقع شده است

در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی علوم پایه و علوم انسانی، کمتر شاهد کمبود استاد هستیم. حتی گاهی در برخی از این رشته‌ها به دلیل ریزش دانشجو، با برقرار نبودن تعادل بین تعداد استاد و دانشجو روبه‌روییم، اما به گفته فرخ‌فر، با اینکه در بیشتر رشته‌های هنر مشکل ریزش دانشجو وجود ندارد، متأسفانه با کمبود شدید استاد مواجهیم. از نظر او، به هنر توجه چندانی نمی‌شود و رشته‌های هنری به‌ویژه در استان خراسان، مظلوم واقع شده‌اند. «متأسفانه سیاست دانشگاه‌ها در این زمینه برعکس است. با اینکه در رشته‌های هنر در قیاس با تعداد دانشجویان، تعداد استادان کم است، برای جذب استاد برای سایر رشته‌ها اقدام می‌شود. اینکه می‌گویم هنر در خراسان مظلوم واقع شده به این دلیل است که در مراکز استان‌ها همچون اصفهان، شیراز و تهران بستر فرهنگی مناسبی فراهم آمده است که خیلی از نیازهای هنرمندان را تأمین می‌کند، اما در خراسان این‌طور نیست. برای نمونه، نگارخانه و فضاهایی که هنرمندان بتوانند آثار خود را نمایش بدهند کم داریم. این‌ها در حالی است که شهر مقدس مشهد علاوه بر جاذبه‌های زیارتی، دارای جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی متعددی است که می‌تواند موجب افزایش جذب گردشگر و کارآفرینی شود.» مشکل دیگر متمرکز نبودن قطب علمی فعالیت‌های آکادمیک هنر در مرکز استان است. هم‌اکنون بزرگ‌ترین دانشکده هنر دولتی در منطقه ۹ آموزش عالی کشور، در خراسان رضوی و در شهر نیشابور واقع است، در صورتی که مرکز استان و شهر بزرگ مشهد چنین دانشکده‌ای ندارد و نبود آن بسیار محسوس است! اینکه چرا دانشگاه جامع و بزرگی همچون دانشگاه فردوسی مشهد نباید دانشکده هنر داشته باشد سؤالی است که در ذهن مردم و متخصصان این حوزه همچنان بی‌جواب مانده است! حتی با رایزنی‌های متعددی که تا این زمان انجام شده، مشخص نیست با وجود سابقه تاریخی هنری مشهد و اینکه این شهر دارای مکاتب عالی هنری در تاریخ هنر ایران بوده است، چرا هنوز قطب دانشگاهی دولتی معتبر برای توسعه فعالیت‌های هنری این شهر وجود ندارد. «بیشتر فعالیت‌های هنری‌ای که امروزه در سطح مشهد وجود دارد وابسته به نهادهای خصوصی و نیمه‌دولتی است زیرا متأسفانه قطبی برای این کار در معتبرترین دانشگاه دولتی سطح شهر نداریم. اینکه چرا باسابقه‌ترین، معتبرترین و بزرگ‌ترین دانشکده هنر در منطقه ۹ آموزش عالی کشور با همه ظرفیت‌های فراوانش برای توسعه و احیای فرهنگ و هنر شهر مقدس مشهد، به جای اینکه در این شهر واقع باشد، در نیشابور است، پرسشی است که به‌راستی باید در پی پاسخ به آن بود و از این طریق، جلو خسرانی را که سال‌هاست بی‌دلیل بر این شهر و بر این دانشکده وارد شده است گرفت.»

زنان برای رسیدن به مدارج عالی مسیر سختی را می‌پیمایند

توسعه با حضور جدی زنان خیلی وقت است سر زبان‌ها افتاده است و خیلی‌ها برای دفاع، ژست یا شعار آن را به کار می‌برند، اما در نهایت، واقعیت این مفهوم همان چیزی است که در عمل مشاهده می‌کنیم. فرخ‌فر نیز معتقد است تلاشی که یک زن باید صرف کند تا به درجه علمی و جایگاه اجتماعی خاصی برسد، بیش از آقایان است. «زن می‌تواند هم همسر، مادر و کدبانوی قابلی باشد و هم به مدارج عالی و علمی بالا برسد. من شخصا برای زنانی که به مدارج عالی علمی و فرهنگی رسیده‌اند ارزش زیادی قائلم زیرا می‌دانم از چه مسیر سختی گذشته‌اند. گویی از یک صحنه نبرد عبور کرده‌اند.»

فرخ‌فر روزانه حدود ۸ ساعت به مطالعه و کارهای پژوهشی اختصاص می‌دهد و در کنار آن، سعی می‌کند وظایف همسری، مادری و امور خانه را هم به‌خوبی انجام دهد و کمتر کاری را به بیرون از خانه بسپرد. او سفرهای مطالعاتی متعددی به کشورهای فرانسه، اتریش، روسیه، هند، آلمان، کره جنوبی، لهستان و ترکیه داشته و خیلی از فضاهای علمی بین‌المللی معتبر را از نزدیک تجربه کرده است. او معتقد است کشور ما در حوزه مطالعات هنر اسلامی به کار بیشتری نیاز دارد و باید تلاش بسیاری صورت گیرد تا در جامعه بین‌المللی به مرحله‌ای برسیم که در شأن فرهنگ و هنر کشور ماست. دیدار از مجامع علمی خارج از کشور انگیزه او را برای انجام فعالیت‌های پژوهشی دوچندان کرده است زیرا به چشم می‌دید که میراث و گنجینه‌های فرهنگی کشور تک‌به‌تک از دست می‌روند و به نام کشورهای دیگر ثبت می‌شوند. انگیزه‌اش را به این سمت سوق داد که پژوهش‌های بیشتری انجام بدهد و دانشجویانش را بیش از قبل تشویق کند. «از آنجایی که رشته تخصصی‌ام گرافیک بود، در کنار تحقیقات علمی و پژوهشی، فعالیت‌های هنری‌ام را در حوزه طراحی گرافیک قطع نکرده‌ام. فعالیت‌های هنری‌ای که در آیین‌نامه‌های پژوهشی وزارت علوم و تحقیقات در دسته آثار بدیع و ارزنده هنری جای می‌گیرند امتیاز چشمگیری دارند. استادانی که در رشته‌های ذیل گروه هنر و معماری فعالیت می‌کنند لازم است در کارنامه علمی خود علاوه بر فعالیت‌های پژوهشی، در خلق آثار بدیع و ارزنده هنری نیز فعال باشند و بخشی از توجه خود را به تولید آثار هنری بدیع مبذول کنند.»

> زن می‌تواند هم همسر، مادر و کدبانوی قابلی باشد و هم به مدارج عالی و علمی بالا برسد. من شخصا برای زنانی که به مدارج عالی علمی و فرهنگی رسیده‌اند ارزش زیادی قائلم زیرا می‌دانم از چه مسیر سختی گذشته‌اند

هنر، مرهمی برای روح خسته از پژوهش

او معتقد است به طور معمول، دانش‌آموختگان مقاطع تحصیلات تکمیلی هنر کار پژوهش و هنر را در کنار هم پیش نمی‌برند و یکی از آن‌ها را رها می‌کنند زیرا این هماهنگی سخت است، اما هنر برای فرخ‌فر نوعی مرهم است برای زمانی که روحش از دنیای پژوهش خسته می‌شود. به همین دلیل، هنوز هم سراغ کارهای طراحی می‌رود زیرا روحش با آن آرامش پیدا می‌کند. «همیشه به دانشجویانم توصیه می‌کنم ضمن اینکه تلاش می‌کنند هنرمندی توانمند شوند، بتوانند هم‌زمان پژوهشگری قابل باشند، به‌راحتی بتوانند برای یک اثر هنری، نقد و گزارشی بنویسند و در این کار مهارت پیدا کنند. متأسفانه خیلی از هنرمندان ما این توانمندی را در خود تقویت نکرده‌اند. همین ضعف اصلی ما در حوزه آموزش هنر است که یا یک آرتیست کامل بار آورده‌ایم یا یک پژوهشگر ناب، در حالی که برای هنرمندان کشورمان لازم است در عین آرتیست بودن، پژوهشگری قابل باشند.» معتقد است یکی از دلایلی که کشور ترکیه در حوزه هنر اسلامی پیشرفت چشمگیری داشته، توانمندی و اشراف آن‌ها به زبان‌های بین‌المللی معتبر است. بیشتر آثار برجسته پژوهشگران ترک دوزبانه منتشر می‌شود. این نکته نه‌تنها برای هنرجویان و پژوهشگران انگیزه بیشتری برای ارتقای دانش زبان خارجی‌شان به وجود می‌آورد بلکه سبب معرفی دستاوردهای علمی آن‌ها در سطح جهان و به‌روز ماندن دانش آن‌ها می‌شود. همین موضوع موجب شد او هم خود را مقید کند زبان‌های مختلفی یاد بگیرد. «در دوره فرصت مطالعاتی که در دوران تحصیلم در مقطع دکتری در کشور ترکیه داشتم، با اسناد اهل حِرَف دربار توپقاپی آشنا شدم که بخشی از شناسنامه ملی هنرمندان ایران را در دربار عثمانی نشان می‌داد. این اسناد به زبان‌های فارسی، ترکی عثمانی و عربی و به خط سیاق ترکی عثمانی نوشته شده بود و اطلاعات ارزشمندی در اختیار می‌گذاشت. خوشبختانه توانستم در مدت اقامتم در استانبول این اسناد را عکاسی کنم تا متونی را که به زبان سیاق نوشته شده بود بخوانم. خوانش آن‌ها ابتدا بسیار سخت بود زیرا این زبان رمزگونه است، اما با مطالعه منابع مربوط و کسب راهنمایی از کارشناسان مرکز آرشیو اسناد عثمانی در استانبول، مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، مرکز پژوهش‌های آستان قدس رضوی و بخش مطالعات باستان‌شناسی دانشگاه تهران، موفق به خوانش این اسناد شدم. این اسناد مربوط به قرن‌های دهم، یازدهم و دوازدهم هجری قمری است. خوشبختانه تاکنون مطالعه اسناد قرن دهم را به اتمام رسانده و برخی نتایج آن را در قالب مقاله منتشر کرده‌ام. اکنون نیز مشغول مطالعه اسناد ۲ قرن دیگر هستم.»

سابقه پژوهشی‌اش به حدود ۱۵ سال می‌رسد. شمار مقالاتی که تاکنون نوشته از دستش در رفته است، اما همین‌قدر کافی است که علاوه بر مقام‌های متعدد منطقه‌ای که تا این زمان کسب کرده است، براساس فعالیت‌های پژوهشی‌اش در ۵ سال گذشته، سال ۹۸، وزارت علوم او را به عنوان پژوهشگر برگزیده کشور در گروه هنر و معماری انتخاب کرد. او در سال جاری نیز در گروه هنر و معماری، برگزیده جایزه زن و علم (جایزه مریم میرزاخانی) از سوی معاونت فرهنگی وزارت علوم و معاونت امور زنان ریاست جمهوری شد. «در حقیقت کسب این رتبه‌ها و این جوایز هیچ گاه هدف من نبوده زیرا معتقدم این جوایز مانند یک قرعه است که این‌بار به نام من افتاده است و دوره بعد به نام شخصی دیگر. همان انگیزه‌ای که در دوره دکتری در من شکل گرفت، هنوز پابرجاست و هنوز تشنه دانستن هستم. ما باید سعی کنیم وضعیت پژوهش‌های هنری را در ایران بهبود بخشیم. وضعیت کارهای پژوهشی در حوزه هنر در ایران بسیار ضعیف است و به حمایت نیاز دارد. دست کم تا زمانی که ایران سطح لازم در حوزه هنر را پیدا نکند، احساس نمی‌کنم که روحم تأمین شده باشد.»

> کسب این رتبه‌ها و این جوایز هیچ گاه هدف من نبوده زیرا معتقدم این جوایز مانند یک قرعه است که این‌بار به نام من افتاده است و دوره بعد به نام شخصی دیگر. همان انگیزه‌ای که در دوره دکتری در من شکل گرفت، هنوز پابرجاست و هنوز تشنه دانستن هستم. ما باید سعی کنیم وضعیت پژوهش‌های هنری را در ایران بهبود بخشیم. وضعیت کارهای پژوهشی در حوزه هنر در ایران بسیار ضعیف است و به حمایت نیاز دارد

فرخ‌فر به رشته‌اش علاقه‌مند است و ارتباط با دانشجویان را دوست دارد. به گفته او، اگر استاد با دانشجو همراه نباشد، بخش مهمی از سرمایه‌های آموزش عالی کشور بر باد خواهد رفت. بدین شکل، متخصصانی بی‌سواد و ناکارآمد بار خواهیم آورد که نه‌تنها وضعیت آینده کشور را بهبود نخواهند بخشید، بلکه بر ویرانی آن خواهند افزود. شرایط جامعه امروز ما طوری است که همه باید با هم وضعیت موجود را اصلاح کنیم و در آبادی کشور همگام باشیم. «فضای فعلی هنری مشهد در ۱۰ یا ۱۵ سال اخیر، در مقایسه با گذشته خیلی رشد کرده است. یک عامل مهم در این تغییر، حضور بیش از پیش دانش‌آموختگان رشته هنر در سطح شهر است که با آثار خود همچون دیوارنگاره‌ها، سازه‌ها و... به زیباسازی شهر اقدام کرده‌اند، اما در این شهر هنوز جای کار زیادی هست و خلأهای بسیاری که با حضور هنرمندان جوان و پرانگیزه می‌تواند به‌خوبی برطرف شود.»

ضرورت انتقال دانشکده هنر دانشگاه نیشابور به مشهد

تنها خواسته فرخ‌فر بعد از تجاربی که در رشته هنر کسب کرده است این است: «دانشکده هنر نیشابور به شهر مشهد مقدس، زادگاه اصلی آن، منتقل شود زیرا در این صورت این دانشکده به‌سرعت و با کیفیتی بی‌نظیر می‌بالد و رشد می‌کند و تأثیر آن بر توسعه فرهنگی هنری شهر مشهد آن‌چنان خواهد بود که در هیچ کدام از شهرهای دیگر ایران نمونه آن را نتوان یافت. مروری بر پیشینه تاریخی هنری مشهد نشان داده هر گاه ذره‌ای به توسعه هنری این شهر توجه شده، آن‌چنان رونقی در شهر شکل گرفته که تأثیر آن تا مدت‌ها زبانزد همگان بوده و از یادها نرفته است. پس چرا این نعمت موجود را از شهر خود دریغ می‌کنیم؟ عموم صاحب‌نظران می‌دانند و بارها اذعان کرده‌اند هیچ دلیل منطقی‌ای برای حضور معتبرترین دانشکده دولتی هنر منطقه ۹ آموزش کشور در نیشابور وجود ندارد در حالی که شهر مقدس مشهد تشنه حضورش است. پس چرا از این فرصت طلایی برای شکوفایی شهرمان بهره نمی‌گیریم؟»

هدی جاودانی
مترجم
آفاق

اتحاد زنان رستوران‌دار برای عبور از بحران

همه‌گیری ویروس کرونا به مشاغل صنعت مهمان‌یاری در سراسر دنیا صدمات بسیاری وارد کرده است و در این میان، آن دسته از کسب‌وکارهای کوچکی که صاحبان‌شان زن هستند، بیش از دیگران آسیب دیده‌اند.

حالا گروهی از زنان رستوران‌دار و دیگر مشاغل صنعت مهمان‌یاری در لس‌آنجلس قرار است گرد هم بیایند و برای عبور از بحران به یکدیگر کمک کنند و قدرتمندتر از گذشته به میدان کسب‌وکار بازگردند. این افراد با تشکیل مؤسسه خیریه‌ای و با برگزاری دوره‌های آموزشی و اختصاص کمک‌هزینه‌ها و وام‌های کسب‌وکار قصد دارند از زنان این صنعت پشتیبانی کنند.

یکی از بنیان‌گذاران این مؤسسه می‌گوید که بعد از گذشت بیش از ۹ ماه از شیوع ویروس و شرایط وخیم اقتصادی حاصل از آن و انفعال دولت در حمایت از کسب‌وکارهای مستقل و تبعات منفی بسیاری که برای زنان شاغل به‌وجود آمده بود، گروهی از زنان فعال در صنعت مهمان‌یاری تصمیم می‌گیرند به صورت مستقل دست‌به‌کار شوند. هدف از تشکیل این مؤسسه خیریه نه‌تنها همدلی و مشارکت رستوران‌ها برای حمایت از یکدیگر و گذر از این شرایط بحرانی، بلکه رساندن مستقیم منابع مالی به دست زنانی بوده است که برای سرپانگه‌داشتن کسب‌وکار خود با مشکل مواجه شده‌اند.

این انجمن خیریه برای دستیابی به اهداف خود، فستیوال آنلاینی برگزار کرده است که شامل چند گفت‌وگو، کارگاه آموزشی و حضور چهره‌های برجسته صنعت مهمان‌یاری می‌شود. طی این فستیوال، هم‌چنین فهرستی از غذاهای ویژه در چند رستوران محلی تهیه شده است که افراد می‌توانند به صورت بیرون‌بر آن‌ها را سفارش دهند.

بیش از ۱۰۰ رستوران محلی در این رویداد شرکت می‌کنند و قرار است چند سرآشپز مشهور، علاوه بر اینکه غذاهای مخصوص خود را برای فروش در رویداد آماده می‌کنند، به معرفی غذاها و محصولات غذایی خانگی زنان بومی منطقه بپردازند تا مردم با خرید محصولاتش به فروش بیشتر آن‌ها کمک کنند.

یکی از محورهای اصلی این جشنواره همکاری میان زنان رستوران‌دار، آشپز و دیگر کارکنان زن در کسب‌وکارهای مختلف صنعت مهمان‌یاری با یکدیگر است. در این رویداد، سرآشپزها و آشپزهای رستوران‌ها مختلف، با تشکیل گروه‌هایی و با مشارکت هم، غذاهایی را آماده خواهند کرد. این افراد و رستوران‌هایشان که تا پیش از این رقیب یکدیگر به شمار می‌آمدند، با قرار گرفتن در کنار یکدیگر، حسی از همدلی و همیاری را با مخاطبانشان به اشتراک می‌گذارند و آنان را نیز به مشارکت در این کار ترغیب می‌کنند.

مخاطبان این رویداد می‌توانند با مراجعه به یک وب‌سایت، رستوران یا رستوران‌های شرکت‌کننده در رویداد را از روی یک نقشه پیدا کنند و غذای مورد نظر خود را سفارش دهند. علاوه بر این، امتیازات دیگری نیز برای مشتریان در نظر گرفته شده است. برای نمونه، در صورتی که کسی از چند رستوران مختلف خرید کند، هدیه ویژه‌ای به او تعلق می‌گیرد. جشنواره رستوران‌داران زن از پنجشنبه، ۲۱ ژانویه، آغاز شده است و ۱۰ روز ادامه خواهد یافت.

شهرداد

زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

پاسخ به پرسش‌های حقوقی بانوان

از ابتدای آذرماه به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

اگر در ۲ مرحله بدوی و واخواهی، رأی به نفع ما صادر شده ولی در مرحله تجدیدنظر با وجود سند رسمی فقط با شهادت، نقض شده باشد و رئیس کل دادگستری استان درخواست رسیدگی دوباره بدهد، در این مرحله رأی بدوی بیشتر برایشان مهم است یا تجدیدنظر؟

آنچه برای رسیدگی دوباره مورد بررسی قرار می‌گیرد رأیی است که مجوز رسیدگی دوباره برای آن صادر شده. در فرض سؤال، ایراد به رأی دادگاه تجدیدنظر گرفته شده است. لذا همان بررسی دوباره می‌شود.

متأسفانه همسرم ماشینی از جمعه‌بازار خودرو با قولنامه و توافق بین ۲ نفر خریداری کرد اما فروشنده قبل از سند زدن تلفن همراهش را خاموش کرده است. سند در دست ماست اما چیزی به نام‌مان نیست. چگونه می‌توانیم از راه قانونی سند ماشین را به نام خودمان بزنیم؟

دراین‌باره، اگر قولنامه به وسیله فروشنده و خریدار تکمیل شده باشد، می‌توان دادخواست اثبات عقد بیع و الزام به تنظیم سند داد.

من ۴ فقره وام هفت‌میلیونی بانکی مربوط به یک خانواده را ضمانت کرده‌ام. الان چند سال است پرداخت نکرده‌اند. آیا بانک می‌تواند همه حساب‌های بانکی مرا مسدود کند؟ حتی حساب حقوق دریافتی که حقوق ماهیانه پرداخت می‌شود؟ اگر مسدود شود، برای رفع انسداد آن چه باید کرد؟ آیا هر ۴ پرونده را با هم اقدام می‌کنند یا جداگانه؟

امکان مسدودی حساب‌های متعدد تا میزان بدهی وجود دارد. درباره حساب حقوق دریافتی نیز می‌توان به نسبت اینکه فرد مجرد یا متأهل باشد، به نسبتی که در قانون ذکر شده است، حساب را مسدود کرد. هم‌چنین برای رفع انسداد، ضامن می‌تواند دین را پرداخت کند و پس از پرداخت، به مدیون اصلی مراجعه کند. همه بدهی‌ها به صورت یکجا امکان اقدام دارند.

یک نفر با مظلوم‌نمایی، خودش را نیازمند اعلام کرد. من هم مقدار چشمگیری وسیله خانه و پول نقد برایش جمع کردم. بعد از تحویل، فهمیده‌ام بسیاری از حرف‌هایش دروغ بوده است اما اکنون حاضر نیست وسایل و پول نقد را برگرداند. آیا راهی قانونی برای این مسئله وجود دارد؟

رفتار مجرمانه‌ای را که تحصیل عمدی مال دیگری از طریق غیرقانونی را شامل شود می‌توان تحت عنوان تحصیل مال از طریق نامشروع پیگیری کرد. می‌توان گفت در فرض سؤال، فرد به واسطه دروغ‌گویی که عملی غیراخلاقی و نامشروع است، مال دیگری را برای خود به دست آورده است. افراد ذی‌نفع می‌توانند دراین‌باره اقدام قضایی انجام دهند. البته باید توجه داشت اگر در فرض سؤال فرد تنها واسطه رساندن این اموال و وجوه بوده و هیچ گونه مالکیتی نسبت به آن‌ها نداشته است، نمی‌تواند چنین اقدامی را از ناحیه خود انجام دهد. باید گفت این مورد تحت عنوان کلاهبرداری قابل تعقیب نیست.

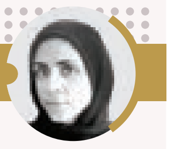

نفیسه زمانی
کارشناس ارشد پژوهش هنر
صدف

دختر «کید هندی» و عروس روم

نگاهی کوتاه به زنان در شاهنامه

آن هنگام که کید بر سرزمین‌های هند حکمرانی می‌کرد، اسکندر به ایران حمله کرد، پس از آن عازم سرزمین‌های کید هندی شد. کید هندی دختری زیباروی داشت که آفتاب نیز در پیش روی او از نور تهی می‌گشت. قد و بالایی چون سرو داشت. خرد دختر کید هندی برتر از روی ماه‌گون او بود و شرم و حیا در رفتارش موج می‌زد.

چون اسکندر وارد سرزمین کید شد، نامه‌ای به کید نوشت که چون فرستاده نامه نزد تو رسید، درنگ نکن و سر فرمان برای ما تعظیم کن. کید چون نامه را خواند، فرستاده را عزیز دانست. ارادت خود را به اسکندر ابراز کرد و فرمود: «من سر به فرمان اسکندرشاه هستم.» بدین‌سان، نامه‌ای نوشت که شایسته نیست سر از فرمان شاه بزرگ بپیچم و هرچه دارم از شاه شاهان دریغ ندارم. در ادامه نوشت: «مرا ۴ چیز در دنیا هست که عزیز دارم. آن ۴ چیز را پیشکش اسکندر بزرگ می‌کنم.» فرستاده نزد اسکندر بازگشت و نامه را تقدیم کرد. اسکندر در پی دانستن آن ۴ چیز، فرستاده را دوباره نزد کید رهسپار کرد. کید به فرستاده گفت: «مرا دختری هست در نهان که از آفتاب زیباتر است و اگر خورشید روی او را ببیند، تیره گردد در پیش چهره نورانی دخترم.» و از دختر بسیار نیکو سخن راند.

کمند است گیسوش هم‌رنگ قیر / همی آید از دو لبش بوی شیر
خم آرد ز بالای او سروبن / در افشان کند چون سراید سخن

کید در کنار نام دخترش نام جامی را آورد که چون از آب سرد پر شود، از آن تهی نشود و چون کسی جام را در دست گیرد، در بزم ده‌ساله نیز آبش کم نشود. علاوه بر جام، از پزشکش که در طب چیره‌دست است نام برد و از فرزانه‌ای که سرنوشت را پیش‌گویی می‌کند. فرستاده نزد اسکندر رفت و آنچه شنیده بود به شهریار خود گفت. دل اسکندر برای داشتن دختر کید هندی و آن ۳ چیز دیگر بتپید و گفت: «اگر همان که کید گفته است حقیقت باشد، سرزمین او تا ابد از حمله ما در امان خواهد ماند.» و ۹ مرد خردمند را برای دیدار دختر کید هندی و دیگر داشته‌های عزیز کید رهسپار کرد. فردای آن روز که مردان رومی رسیدند، تختی بیاراستند. دخت ماه‌روی کید بر آن نشاندند و ۹ مرد رومی را نزد او آوردند. چون چهره تابنده او را دیدند، مبهوت وی شدند و بر زیبایی‌اش زبان به تعریف گشودند. هر یک نامه‌ای جدا به اسکندر نوشت و در آن، یکی از حسن‌ها و زیبایی‌های دخت را ستود. اسکندر چون نامه‌ها خواند، امر کرد دختر کید را به همراه آن ۳ چیز دیگر به روم برند و گزندی به کید نرسانند. دختر کید خون گریست و چاره‌ای جز جدایی از خانواده برایش نمانده بود. دختر کید چون پای به سرای اسکندر گذاشت، اسکندر نیز بر زیبایی بی‌مانند او آفرین گفت و زر و جواهر بسیار پای او ریخت.

همی گفت کاینت چراغ جهان / همی آفرین خواند اندر نهان
بر آن دادگر کاو سپهر آفرید / بر آن گونه بالا و چهر آفرید

یکی به نفع زنان

لایحه بودجه ۱۴۰۰ تأمین کسری اعتبارات دیه محکومان معسر جرائم غیرعمد ناشی از تصادف با اولویت زنان معسر را به طور خاص در نظر گرفته است. معصومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، پنجشنبه در توییتر نوشت: «لایحه بودجه ۱۴۰۰ که مسائل مهم اقتصادی، اشتغال و کرونا را در نظر دارد، موضوع حمایت از اقشار مختلف زنان را غیر از حوزه عمومی، به طور خاص نیز دیده است مانند بند «الف» تبصره ۱۱ این لایحه.»